

مرور زمان در دعاوی کیفری

مقدمه

یکی از موضوعاتی که امروز بندرت مورد بحث محافل حقوقی قرار گرفته، شمول مرور زمان در دعاوی کیفری است. شاید بتوان آنرا نتیجه رویکرد قانونگذار اسلامی نسبت به این مقوله دانست. اما مهمتر از آن، مقاومت وی در برابر این قضیه بوده که ابتدا شمول آنرا در تمامی دعاوی کیفری رد کرده و سپس صرفاً در مجازاتهای بازدارنده آنرا پذیرفته است. از اینکه تا چه حد میتوان این تأسیس حقوقی را وارد گستره مجازاتهای تعزیری کرد، هنوز بحث جدی از سوی حقوقدانان و فقهای محترم در این زمینه مطرح نشده است. اما موضوع ابهام در تعریف قانونگذار از مجازاتهای بازدارنده عملاً باعث تشنّت آرا محاکم کیفری گردیده است. دامنه این تهافت آرا در برخی موارد به هیئت محترم دیوانعالی کشور نیز کشیده شده و باعث گردیده تا این مرجع بطور موردی رأی صادر نماید. دلیل آشکار آن نیز اینست که در حال حاضر جز تعریف قانونی از جرائم بازدارنده، وحدت رویه ای در نوع شناسائی این نوع جرائم در دسترس نیست و مباحث نظری نیز نوعاً تابع عقاید افراد مبتلابه می باشند. زیرا در برخی موارد گاهی بسیاری از جرائم در این دایره جای

گرفته و در مقابل برخی اوقات حتی از جرائم بازدارنده نیز رویگردان میگردد. این یک واقعیت است که نوع تقسیم بندی جرائم در قانون مجازات اسلامی، موجبات سهولت در تطبیق مواد قانونی را بر هم به راحتی فراهم نمی آورد، و از طرف دیگر حداقل مرز مشخص بین مجازاتهای بازدارنده و تعزیراتی بدست نمیدهد. نگارنده سعی دارد در این مقال ابتدا به بحث نظری شمول مرور زمان و سپس به جایگاه آن در قوانین ایران و فرانسه بطور اجمالی بپردازد.

الف) دکترین حقوقی در رابطه با شمول مرور زمان در دعاوی کیفری

اجمالاً میتوان گفت، ابتدا مکتب تحقیقی (ایتالیائی) شمول مرور زمان در این نوع دعاوی را مورد انتقاد قرار داد، و حداقل آنرا در خصوص مجرمین به عادت و مجرمینی که دارای تمایل ارتکاب جرم هستند، پذیرفت. استدلال برخی دیگر از منتقدین این بود که چنانچه ما در جایگاه بررسی زمینه های مفید برای دفاع اجتماعی در مقابل مجرمین باشیم، این موضوع بسیار قابل اعتراض است. زیرا زمان نه خطر مجرمین را کاهش میدهد، نه بطور کلی حضور آنها را در جامعه از بین میبرد. اما در مقابل موافقین معتقد بودند که شمول مرور زمان در مورد مجازات و اقامه دعوی کیفری به این لحاظ قابل توجیه است که، اگر هدف ایجاد آسایش و امنیت جامعه در یک برهه و زمان خاص دنبال شود

بہتر از آنست کہ جرم فراموش شدہ را بخواہیم با تعقیب دوبارہ زندہ کنیم. از طرفی ، اگر دعوی کما کان با امکان تعقیب و کیفر در طول حیات مجرم قابل اعمال باشد نامبرده ہمیشہ در تشویش و دل نگرانی بسر بردہ، در حالیکہ ممکن است واقعاً وی از کردہ خود پشیمان شدہ باشد. ہر چند این مرحلہ دارای زمانی طولانی بعنوان مثال شمول مرور زمان ۲۰ سال در جنایات است کہ خود باعث میشود مجرمین در یک بیخوابی ۲۰ سالہ بسر برند. توجیہ دیگر در شمول مرور زمان در امور کیفری، ایدہ سهل انگاری و غفلت اجتماع در تعقیب و مجازات مجرمین است. زیرا جامعہ حق قانونی خود را بہ دلیل اینکہ دیگر زمان مفیدی برای اعمال آن وجود ندارد بہ این طریق از دست میدہد. در واقع یکی از دلایل اساسی شمول مرور زمان در امور کیفری مبتنی بر عوامل خارجی است کہ آن کا ہش تحلیل ادلہ اثبات دعوی میباشد. پرواضح است بر اثر مرور زمان از لحظہ وقوع جرم، ادلہ اثبات یا بطور کلی از بین میرود یا اینکہ حداقل از ارزش آن کاستہ میشود. بنابراین چندین سال پس از وقوع جرم وجنایت، کشف آثار و ادلہ اثبات دعوی، جستجوی شہود و کسانیکہ بہ احتمال قوی یا موضوع را فراموش کردہ اند یا اینکہ خاطرہ ای مبہم و گنگ از آن بیاد دارند، بسیار مشکل می نماید. مهمتر اینکہ، رسیدگی بہ دعوی کیفری کہ مدت طولانی از ارتکاب آن گذشتہ موجبات خطرات اشتباہ قضائی را فراہم

می آورد. بنابر این برای اجتناب از این وضعیت و با رعایت منافع اجتماع در برقراری عدالت قضائی، شمول مرور زمان میتواند از اینگونه خطاها در امر قضا جلوگیری بعمل آورد.

ب) شمول مرور زمان در قوانین کیفری فرانسه

طبق قانون مدنی فرانسه، اقامه دعوی در یک مهلت خاص قابل اجراست (la prescription de l'action publique) (بر طبق قاعده عمومی، ۳۰ سال وفق ماده ۲۲۶ آئین دادرسی مدنی مگر در مورد تعهدات خارج از قراردادهای که این مهلت به ۱۰ سال برابر ماده ۱-۲۲۷۰ مصوب ژوئیه ۱۹۸۵ کاهش یافته است) و بعد از آن نیز دیگر نمیتواند مورد رسیدگی قرار گیرد. این است که ما آنرا شمول مرور زمان یا مشمول مرور زمان شدن دعاوی مینامیم. این موضوع در حقوق جزا نیز دیده شده است. دعوی کیفری نیز نمیتواند اقامه گردد مگر در یک مهلت خاص و این دعوی پس از آن دیگر قابل طرح نیست. لذا مجرمین بعد از آن قابل تعقیب کیفری نبوده و جرم ایشان قابل مجازات نمیشود. مواد ۹، ۸، ۷ آئین دادرسی کیفری فرانسه مقرر کرده است، که شمول مرور زمان در امور جزائی می بایست به دقت در تمام موارد کیفری مشخص شود، زیرا این مقوله نه تنها به لحاظ آثار بلکه از نقطه نظر اهداف نیز در این موارد متفاوت

میباشد. لذا طبق قوانین کیفری فرانسه، شمول مرور زمان از دو منظر قابل اعمال است:

اولاً از نظر شدت مجازات، که شمول مرور زمان در جنایت ۲۰ سال، در جنحه ۵ سال، در تخلف ۳ سال می باشد.

ثانیاً از نظر جرم ارتكابی، که شمول مرور زمان در جنایت ۱۰ سال، در جنحه ۳ سال، و در تخلف تنها یک سال خواهد بود حتی اگر تخلف خود زمینه ای برای ارتكاب جنحه باشد.

این در حالیست که چنانچه یک فرانسوی در خارج از کشورش نیز مرتکب جرم شود، شمول مرور زمان همان است که در قوانین کیفری فرانسه پیش بینی شده است. البته درکنار این مهلت های اعلامی در قوانین عام، یکسری مهلت هایی نیز در قوانین خاص دیده شده است. بعنوان نمونه ۶ ماه از زمان اعلام نتایج انتخاباتی برای جرائم موضوع ماده ۱۱۴ قانون انتخابات، ۳ ماه برای جنحه ها و حتی تخلفات موضوع قانون آزادی مطبوعات مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ و.....

(ج) شمول مرور زمان در قوانین کیفری ایران

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شمول مرور زمان در قوانین مدنی و کیفری پذیرفته شده بود. اما در سال ۱۳۶۱ شورایی قضائی با طرح این سؤال « که آیا عدم سماع دعوی طلب و دین در دادگاه با توجه به ماده ۷۳۱ و

..... در باب مرور زمان در آئین دادرسی مدنی و ماده ۱۲ قانون آئین

دادرسی کیفری مخالف با موازین شرع است یا خیر؟» از شورای نگهبان خواست تا نظر خود را در این مورد اعلام نماید. شورای نگهبان طبق اظهار نظر شماره ۷۲۵۷ بتاريخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ پاسخ اشعار میدارد:

« شورایی محترم قضائی، عطف به نامه شماره ۵۰۶۵۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۲۷ ، مواد ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بنظر اکثریت فقهای شورا مواد مزبور که مقرر میدارد پس از گذشتن مدتی (۱۰ سال، ۲۰ سال، ۳ سال، ۱ سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمیشود، مخالف با

موازین شرعی تشخیص داده شده. دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی

به این ترتیب موضوع شمول مرور زمان خلاف موازین شرع شناخته شد، اما در مقام عمل رویه قضائی ترجیح داد آنها در برخی از موارد اعمال کند، بعنوان مثال میتوان از شمول مرور زمان در موضوع دعوی دارنده چک بر علیه ظهرنویس در ماده ۳۱۵ قانون تجارت یاد کرد. در اینحال در قلمرو

کیفری مقاومت بیشتری از سوی قانونگذار اسلامی در مورد شمول
مرورزمان مشاهده میشود، لیکن با تحوّل جدید بالاخره وی این موضوع را
در ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مصوّب
۱۳۷۸ در مورد مجازاتهای بازدارنده پذیرا گردید. ماده ۱۷۳ آ.د.ک مقرر
میدارد:

“ در جرائمی که مجازات قانونی از آن نوع مجازات باز دارنده یا اقدامات
تامینی و ترتیبی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعدمشروحه ذیل
تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضاء مواعد
مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد.الف -
حداکثر مجازات مقرر بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک
میلیون ریال با انقضای مدت ده سال

ب - حداکثر مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال
با انقضای مدت پنج سال

ج - مجازات غیر از حبس یا جزای نقدی با انقضای مدت سه سال

تبصره - در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا
هر سه باشد مدت حبس ملاک احتساب خواهد بود.”

اما این رویکرد جدید نیز باعث تحوّل عمیق در این راستا نگردید، زیرا از یکطرف همانطور که گفتیم بدلیل ابهام در مجازاتهای بازدارنده و از سوی دیگر عدم ارائه مرز مشخصی بین اینگونه مجازاتها و جرائم تعزیراتی در قانون مجازات اسلامی، امروز با صدور آراء متهافت از سوی محاکم کیفری مواجه ایم. در حالی که بنظر میرسد این ماده قانونی گاهی نیز در برخی از جرائم موجبات صدور رأی موقوفی تعقیب را فراهم آورده که آنها در این مرز نامشخص واقع میباشند. بعنوان نمونه در پرونده ۱۰/۱۵۵/۸۰ مطروحه در شعبه ۱۰ تجدیدنظر استان مازندران موضوع تجدیدنظرخواهی از دادنامه شماره ۱۳۱-۷۹/۹/۱۹ صادره از شعبه نوزدهم دادگاه عمومی در مورد جرم تصرف غیر قانونی در اموال دولت، مرجع تجدیدنظر با این استدلال که « اعتراض متهمان را در بخشی از اتهامات وارده از سوی سازمان.... بدلیل تاریخ و زمان وقوع بزه در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ و نیز گزارش سازمان.... و آغاز تعقیب متهمان به لحاظ اینکه موضوع مشمول مرور زمان ماده ۱۷۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ گردیده و قابلیت تعقیب کیفری نداشته لذا با نقض رأی بدوی در این قسمت و صدور قرار موقوفی تعقیب « پذیرفته است. در دعوی دیگری نیز شعبه ۲۷ دادگاه عمومی کرمانشاه در پرونده کلاسه ۶۰۹/۸۰ موضوع شکایت سازمان.... را بر علیه متهمین به اتهام تصرف غیر قانونی

در اموال دولت طی دادنامه شماره ۱۵۱۸-۸۰/۱۰/۲۴ با این استدلال که « گذشته از صحت و سقم قضیه نظر به اینکه حسب اوراق و مدارک ارائه شده عملیات مربوطه در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ خاتمه یافته و مجازاتهای بازدارنده است، مشمول مرور زمان مقرر در ماده ۱۷۳ آ.د.ک « دانسته و رأی بر موقوفی تعقیب صادر کرده است. اما در همین راستا شعبه اول دادگاه عمومی ارومیه در دعوی شماره ۱/۷۶۵/۷۳ موضوع شکایت اداره..... بر علیه ممتهمین بر شرکت در حیف و میل اموال دولتی (اختلاس) طی دادنامه شماره ۱۶۲۳-۱۳۸۰/۱۱/۴ با این استدلال که « صرفنظر از کلیه تحقیقات مقدماتی معموله و صورت مجلس تنظیمی دادگاه دال بر درج اظهارات نمایندگان حقوقی اداره شاکی و دفاعیات متهمین و وکلای آنان دادگاه..... در مورد اتهام دیگر متهمین..... نظر به اینکه مجازات بزه معنونه از نوع تعزیرات شرعی نبوده و مستنبط از ماده ۱۷ ق.م.ا و عدم ترسیم مرز مشخص آن با ماده ۱۶ همان قانون و لحاظ تبصره یک ماده ۲ آ.د.ک و عرف قضائی حاکم از نوع بازدارنده تشخیص میگردد و نظر به قضیه و نظر به اینکه شرایط مندرج در ماده ۱۷۳ ق.آ.د.ک به اعتقاد دادگاه محقق است، لذا دادگاه دعوی مطروحه در امور کیفری را مشمول مرور زمان تلقی و به استناد ماده ۱۷۳ از ق.آ.د.ک و بند ۶ از ماده ۶ قانون مرقوم قرار موقوفی تعقیب کیفری متهمین مارالذکر را «

صادر نموده است. اما این در حالیست که هیئت عمومی دیوانعالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹-۱۳۸۱/۳/۷ اظهار نظر کرده است که « بر طبق ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری جرائمی که مجازات آنها از نوع بازدارنده است باشد با حصول مرور زمان تعقیب آنها موقوف میشود هر چند تجاوز به اراضی ملی شده و تصرف عدوانی آن اراضی با مورد لحاظ قرار دادن ماده ۱۷ ق.م.ا دارای مجازات بازدارنده است ولی چون جرم مذکور از جرائم مستمر می باشد و تا وقتی که تصرف ادامه دارد موضوع مشمول مرور زمان نخواهد شد، علیهذا رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان صرفاً از حیث نقض رأی شعبه سوم دادگاه عمومی دایر به موقوفی تعقیب به اکثریت آرا هیئت دیوان عالی کشور نتیجتاً قانونی تشخیص و مستنداً به ماده ۲۷۰ قانون مزبور در موارد مشابه دیوانعالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.» در همین راستا هیئت عمومی دیوانعالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۹۶ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۴ در موضوع شمول مرور زمان در جرم انتقال مال غیر که در حکم کلاهبرداری است، مقرر کرده است: «تعریف تعزیرات شرعی در تبصره یک ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ مندرج است و مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی کیفرهای بازدارنده، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به

منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع مقرر می‌گردد. نظر به اینکه قانونگذار انتقال مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است، در حکم کلاهبرداری و مشمول مجازات آن دانسته و اقدام به این امر نیز ماهیتاً از مصادیق اکل مال به باطل به شمار می‌آید که شرعاً حرام محسوب گردیده، لذا به نظر اکثریت اعضای هیات عمومی دیوان عالی کشور بزه انتقال مال غیر موضوعاً از شمول مقررات ماده ۱۷۳ قانون مرقوم خارج است و رای شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

(د) نتیجه گیری

بنظر نگارنده، مبحث شمول مرورزمان دارای ابهاماتی است که ناشی از برداشت از تعریف قانونی مجازاتهای تعزیراتی و بازدارنده در مواد ۱۶ و ۱۷ ق.م.ا است. لذا جلوگیری از ادامه این روند بر عهده دادستانی کل کشور است که با طرح موارد تعارض آرا در موضوعات واحد در هیئت عمومی دیوانعالی کشور تقاضای ایجاد وحدت رویه نماید. بهر حال در وضعیت اخیر ملاحظه میشود، حتی هیئت عمومی دیوانعالی کشور نیز بدون ارائه تعریفی جامع، جرائم مستمر را مشمول مرور زمان ندانسته که خود حکایت از نارسائی قوانین موجود دارد. مواردی نیز همچون زمان شروع مرور زمان، دلایل توقف یا تعلیق مرور زمان، نیز نیاز به بازبینی داشته و این مباحث نیز باید در

قوانین مطرح گردد. و در آخر اینکه بایستی به فواید شمول مرورزمان در امور کیفری و بسط آن بیشتر توجه شود.

منابع و مآخذ

G.STEFANI, G.LEVASSEUR,B.BOULOC, Procédure pénal
۲۰۰۴éd. ۱۹.Dalloz,

.éd ۱۲J,PREADEL,Manuel de procédure ,Cujas,

(۳) آر و نظریات از بانک قوانین کشور آقای مگرّم در سایت دادگستری تهران

حمیدرضا میرزاجانی در تاریخ ۰۱ بهمن ۱۳۸۵